

نقش نگرانی، طرحواره‌های هیجانی و سیستم‌های مغزی-رفتاری (BIS- BAS) در پیش‌بینی باورهای وسواسی

سهیلا شفیعی*، علی رسولی**

مهناز شاهقلیان** و مجتبی دهقان***

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش نگرانی، طرحواره‌های هیجانی و سیستم‌های مغزی-رفتاری (BIS- BAS) در پیش‌بینی باورهای وسواسی بود. در قالب یک طرح همبستگی، ۱۵۲ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه خوارزمی (۸۱ دانشجوی دختر و ۷۱ دانشجوی پسر) با دامنه سنی ۱۸ تا ۲۲ سال از طریق روش نمونه‌گیری غیرتصادفی در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه‌های نگرانی پنسیلوانیا، سیستم‌های مغزی-رفتاری، طرحواره‌های هیجانی و باورهای وسواسی را تکمیل کردند. برای تحلیل نتایج پژوهش حاضر از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد. نتایج نشان داد بین متغیرهای نگرانی و سیستم‌های مغزی-رفتاری با باورهای وسواسی رابطه مثبت و معنادار وجود داشت. همچنین نتایج نشان داد بین اغلب مؤلفه‌های طرحواره‌های هیجانی با باورهای وسواسی رابطه معنادار وجود داشت. در ادامه نتایج رگرسیون نشان داد متغیرهای پیش‌بین پژوهش حاضر توانستند ۴۱/۴ درصد از تغییرات متغیر باورهای وسواسی را تبیین کنند. طبق نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت وجود نگرانی زیاد و همچنین استفاده از طرحواره‌های هیجانی ناسازگار در افرادی که سطوح بالایی از فعالیت سیستم‌های مغزی-رفتاری را نشان می‌دهند، می‌تواند پیش‌بینی‌کننده گرایش آن‌ها به سمت باورهای وسواسی باشد.

کلیدواژه‌ها: باورهای وسواسی، سیستم‌های مغزی-رفتاری، طرحواره‌های هیجانی، نگرانی

* کارشناس ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه خوارزمی تهران (واحد کرج)، کرج، البرز، ایران
 ** کارشناس ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه خوارزمی تهران (واحد کرج)، کرج، البرز، ایران
 Ali.rasooli686810@gmail.com

*** استادیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی تهران (واحد کرج)، کرج، البرز، ایران
 **** کارشناس ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه خوارزمی تهران (واحد کرج)، کرج، البرز، ایران
 تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۸

مقدمه

در سال‌های اخیر، رویکردهای شناختی-رفتاری به منظور شناسایی بهتر عوامل مؤثر در ایجاد و تداوم انواع اختلال‌های روان‌شناختی از جمله اختلال وسواس، بر نقش برخی باورهای خاص در افراد تأکید می‌کنند (بلوچ، ماریلو، لوسیانو، گارسیا-سوریانو^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). کارگروه شناخت در وسواس^۲ (۲۰۰۱) با بررسی نقش برخی باورهای خاص در ایجاد اختلال وسواس، شش باور عمده را مشخص کرده است که می‌توانند افراد را مستعد ابتلا به این اختلال کنند؛ این باورها شامل باورهای مربوط به احساس مسئولیت افراطی^۳، اهمیت افکار^۴، کنترل افکار^۵، بیش‌برآورد کردن تهدید^۶، عدم تحمل ابهام^۷ و کمال‌گرایی^۸ هستند. باورهای وسواسی می‌توانند کارکرد فرد را مختل کنند و با سطوح بالای نگرانی در افراد همراه باشند. برای مثال کالئو، هارت، بیورگوینسون و استانلی^۹ (۲۰۱۰) نشان دادند که باورهای وسواسی کمال‌گرایی و عدم تحمل ابهام می‌توانند با افزایش نگرانی در ارتباط باشند.

نگرانی یک فرایند شناختی است که طی آن فرد افکار تکرارشونده احتمال وقوع رویدادهای منفی آینده را تجربه می‌کند (دپری، ۱۹۸۳؛ به نقل از داوی و میتن^{۱۰}، ۲۰۱۶). بورکووک، الکاین و بهر^{۱۱} (۲۰۰۴) نظریه اجتناب شناختی را در زمینه کارکرد نگرانی مطرح کردند که در آن افکار نگران‌کننده به عنوان یک فعالیت کلامی و انتزاعی در نظر گرفته می‌شوند که می‌توانند از تصویرسازی‌های ذهنی ترس‌آور، اضطراب و انگیزتگی هیجانی ناشی از آن جلوگیری کنند. به این ترتیب نگرانی در کوتاه‌مدت تقویت منفی می‌شود. طبق نظریه اجتناب شناختی می‌توان گفت نگرانی زیاد افراد مبتلا به اختلال وسواسی-اجباری

-
1. Belloch, Morillo, Luciano & Garcia-Soriano
 2. Obsessive Compulsive Cognitions Working Group
 3. Responsibility
 4. Thoughts Importance
 5. Thoughts Control
 6. Threat-Overstimation
 7. Uncertainly Intolerance
 8. Perfectionism
 9. Calleo, Hart, Björgvinsson & Stanley
 10. Davey & Meeten
 11. Borkovec, Alcaine & Behar

(استارسویک، برل، میلیسویچ، هامان^۱ و همکاران، ۲۰۰۷)، می‌تواند به علت نقش نگرانی در جلوگیری از حضور افکار سرزده به ذهن آن‌ها باشد، زیرا افراد دارای نشانه‌های وسواس بر این باور هستند که افکار سرزده اهمیت زیادی دارند و می‌توانند به واقعیت تبدیل شوند (راچمن^۲؛ ۲۰۰۳). پیسلی-میکلوس و ورانا^۳ (۲۰۰۰) بیان کردند که نگرانی با حالات هیجانی منفی در ارتباط است، اما اینکه افراد در برابر این هیجان‌های خود چگونه پاسخ دهند، به طرحواره‌های هیجانی^۴ آن‌ها بستگی دارد. طرحواره هیجانی به معنی هرگونه تعبیر، ارزیابی و تمایل به عمل گفته می‌شود که افراد هنگام مواجهه با هیجان‌های مختلف آن‌ها را به کار می‌گیرند (لیهی، ۲۰۰۷). در ارتباط با وسواس، راهبردها و طرحواره‌های هیجانی منفی مانند نیاز به کنترل و اجتناب به شیوه شناختی-رفتاری، نگرانی بیمارگونه و حساسیت به اضطراب دیده شده است که در تشدید علائم وسواس نقش مهمی را ایفا می‌کنند (کاگلر، لوین، فارس، جفکن^۵ و همکاران، ۲۰۱۲).

به طور کلی پژوهشی یافت نشد که به طور مستقیم، رابطه بین باورهای وسواسی با طرحواره‌های هیجانی را بررسی کرده باشد؛ اما آنچه که در زمینه ارتباط بین طرحواره‌های ناسازگار با اختلال وسواس در دسترس است، حاکی از این است که افراد وسواسی در مواجهه با رویدادهای منفی زندگی از جمله هیجان‌ات خود، از طرحواره‌های ناسازگار مانند بازداری هیجانی، انزوای اجتماعی و شرم استفاده می‌کنند (طالع بکتاش، یعقوبی و یوسفی، ۱۳۹۲).

در تبیین زیستی هیجان‌های ایجاد شده در افراد که زمینه‌ساز فعال شدن طرحواره‌های مختلف مرتبط با این تجارب هیجانی هستند، می‌توان به نقش سیستم‌های مغزی-رفتاری اشاره کرد که گری با عنوان «نظریه حساسیت به تقویت» مطرح کرد (فولز، ۱۹۸۸؛ به نقل از ژائو، هریس و ویگو^۶، ۲۰۱۶).

گری یک رویکرد زیستی به شخصیت را مطرح کرد که شامل سه سیستم مغزی-رفتاری

-
1. Starcevic, Berle, Milicevic & Hannan
 2. Rachman
 3. Peasley-Miklus & Vrana
 4. Emotional Schemas
 5. Kugler, Lewin, Phares & Geffken.
 6. Zhao, Harris & Vigo

می‌شود و معتقد است که این سیستم‌های مغزی، اساس تفاوت‌های فردی را تشکیل می‌دهند (گری، ۱۹۹۵؛ به نقل از تاجیک‌زاده، صادقی، مهرابی‌زاده و داوودی، ۱۳۹۴). در این نظریه سه سیستم مغزی با نام‌های سیستم فعال‌ساز رفتاری^۱ (پاسخ به محرک‌های پاداش و فقدان تنبیه)، سیستم بازداری رفتاری (زمینه‌ساز اضطراب، بازداری و اجتناب فعل‌پذیر در پاسخ به نشانه‌های تنبیه و محرک‌های جدید) و سیستم جنگ و گریز^۲ (پاسخ به محرک‌های آزارنده غیر شرطی) مطرح شده است (گومز، واتسون و گومز، ۲۰۱۶).

ویتال، رایبچاد و وودی^۴ (۲۰۱۰) اعلام کردند افراد مبتلا به وسواس باور و سواسی کمال‌گرایی بالایی دارند و سعی می‌کنند با تغییر یا کاهش میزان شدت این باورها و افکار، از شدت افکار و سواسی خود بکاهند و به عبارتی به بازداری بروز افکار و رفتارهای وسواسی خود اقدام می‌کنند. در ارتباط با سیستم‌های مغزی مربوط به وسواس نکته‌حایز اهمیت این است که برخی محققان (برای مثال برگر و آناسکی^۵، ۲۰۱۴) بر حساس بودن سیستم BIS در افراد مبتلا به اختلال وسواس نسبت به گروه گواه تأکید می‌کنند، در حالی که یافته‌های برخی دیگر (برای مثال فولانا، ماتیکس-کولز، تروگیلو، کاسراز^۶ و همکاران، ۲۰۰۴) نشان می‌دهد که هم در افراد مبتلا به اختلال وسواس^۷ (OCD) و هم در افراد مبتلا به اختلال شخصیت وسواسی جبری^۸ (OCPD) هر دو سیستم BIS و BAS در مقایسه با گروه گواه، فعال‌تر بوده است.

به طور کلی می‌توان گفت شیوع بالای علائم وسواس در بین جمعیت عادی، لزوم توجه به عوامل زمینه‌ساز و نگهدارنده علائم وسواس مانند باورهای وسواسی را دوچندان می‌کند. در این زمینه، فولانا، ماتیکس-کولز، کاسپی، هرینگتون^۹ و همکاران (۲۰۰۹) بیان می‌کنند که نشانه‌های مربوط به اختلال وسواسی-اجباری می‌تواند به درجات مختلفی در افراد عادی نیز

-
1. Behavior Activating System(BAS)
 2. Fight/Flight/ Freeze System(FFS)
 3. Gomez, Watson & Gomez
 4. Whittal, Robichaud & Woody
 5. Berger & Anaki
 6. Fullana, Mataix-Cols, Trujillo & Caseras
 7. Obsessive Compulsive Disorder
 8. Obsessive Compulsive Personality Disorder
 9. Fullana, Mataix-Cols, Caspi& Harrington

وجود داشته باشد، به گونه‌ای که ۲۱ تا ۲۵ درصد جمعیت افراد عادی نشانه‌های غیر قابل تشخیص وسواس را نشان می‌دهند. در ایران نیز شمس، کرم‌قدیری، اسماعیلی، امینی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهش خود، میزان شیوع علائم وسواس را در بین جمعیت عادی، ۱۱/۲ نشان دادند. این در حالی است که بعد از جستجوی پیشینه موجود در این زمینه پژوهشی یافت نشد که به طور مستقیم باورهای وسواسی با متغیرهای پیشین پژوهش حاضر بررسی کرده باشد، و آنچه که در این زمینه موجود بود اغلب این متغیرها را در افراد با نشانگان بالینی اختلال وسواس بررسی کرده بود. بنابراین، هدف تحقیق حاضر بررسی نقش نگرانی، طرحواره‌های هیجانی و سیستم‌های مغزی-رفتاری (BAS- BIS) در پیش‌بینی باورهای وسواسی بود.

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود. در تحقیق حاضر تعداد ۱۵۲ نفر از دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه خوارزمی که در دامنه سنی ۱۸ - ۲۲ سال بودند، از طریق روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از داشتن سن ۱۸ - ۲۲ سال، مجرد بودن تمام شرکت‌کننده‌ها از نظر وضعیت تأهل، عدم ابتلا به هرگونه اختلال جسمانی یا روان‌شناختی و داشتن مدرک تحصیلی دیپلم تا کارشناسی (کم‌تر از مدرک دیپلم و بیشتر از مدرک کارشناسی نداشته باشند). در ابتدا پرسشنامه‌های مورد نظر بین ۲۰۰ نفر از دانشجویان (۱۰۰ نفر دختر و ۱۰۰ نفر پسر) توزیع شد. در نهایت پرسشنامه‌هایی که شرایط ورود به پژوهش حاضر را نداشتند یا نیمه‌کاره رها شده بودند، کنار گذاشته شدند و در نهایت تعداد ۱۵۲ مورد وارد تحلیل شد.

در این پژوهش از مقیاس‌های زیر استفاده شد:

پرسشنامه باورهای وسواسی^۱ (OCCWG, ۲۰۰۱): کارگروه شناخت در وسواس، پرسشنامه باورهای وسواسی (OBQ-44) را به عنوان ابزاری برای ارزیابی نقش ساختارهای شناختی در سبب‌شناسی و حفظ وسواس تدوین کرد. OBQ-44 از شش زیر گروه افکار تشکیل شده است که دامنه‌های کلیدی حوزه‌های شناخت در اختلال وسواسی - عملی هستند. OBQ-44 دارای

ثبات درونی (۰/۹۲)، ضریب دونیمه‌سازی (۰/۹۴) و ضریب پایایی حاصل از روش بازآزمایی (۰/۸۲) است (شمس، کرم‌قدیری، اسماعیلی، رحیمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۵). همچنین روایی ملاک پرسشنامه به کمک پرسشنامه مادزلی ۰/۸۲ به دست آمد و معنادار بود (شمس و همکاران، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر میزان ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۹۰ بود.

مقیاس بازداری/فعال‌سازی رفتار^۱: این مقیاس را کارور و وایت به منظور ارزیابی تفاوت‌های فردی در حساسیت نظام‌های بازداری و فعال‌سازی رفتاری ساختند (کارور و وایت^۲، ۱۹۹۴). این مقیاس دارای ۲۰ سؤال است که فعالیت سیستم بازداری رفتاری را با خرده‌مقیاس حساسیت به تنبیه و فعالیت سیستم فعال‌سازی رفتاری را به وسیله سه خرده‌مقیاس حساسیت به پاداش^۳، سائق^۴ و جستجوی سرگرمی^۵ ارزیابی می‌کردند. شرکت‌کنندگان به این سؤال‌ها در مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای از درست نیست (۱) تا کاملاً درست است (۴) پاسخ دادند. لوکستون و داو^۶ (۲۰۰۱) ثبات درونی بازداری رفتاری (۰/۷۲) و روایی افتراقی آن با اضطراب را (۰/۵۵) گزارش کردند. عبداللهی مجارشین، بخشی‌پور و علیلو (۱۳۸۹) نیز روایی همزمان این پرسشنامه را با مقیاس صفت اضطرابی پرسشنامه حالت-صفت برابر ۰/۴۳ اعلام کردند. ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های بازداری و فعال‌سازی نیز به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۸۱ گزارش شده است (موریس، میسترز و اسپیندر^۷، ۲۰۰۵). محمدی (۱۳۸۷) ضرایب آلفای کرونباخ کل مقیاس و خرده‌مقیاس سیستم بازداری رفتاری، حساسیت به پاداش، سائق و جستجوی سرگرمی را به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۶۹، ۰/۸۷، ۰/۷۴ و ۰/۶۵ گزارش کرد. در پژوهش حاضر میزان ضریب آلفای کرونباخ کل برای این پرسشنامه ۰/۷۳ بود.

پرسشنامه طرحواره‌های هیجانی لیهی^۸ (LESS-P): پرسشنامه طرحواره‌های هیجانی را لیهی

-
1. Behavioral Inhibition and Behavioral Activation scales
 2. Carver & White
 3. Reward Responsiveness
 4. Drive
 5. Fun Seeking
 6. Loxton & Dawe
 7. Muris, Meesters & Spinder
 8. Leahy Emotional Schema Scale-persian

بر مبنای مدل طرحواره‌های هیجانی خود، در سال ۲۰۰۲ به صورت یک مقیاس خودگزارشی تهیه کرد. این مقیاس دارای ۵۰ گویه است که با استفاده از یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. نسخه فارسی این مقیاس از ۳۷ سؤال تشکیل شد (خانزاده، ادیسی، محمدخانی و سعیدیان، ۱۳۹۲). در پژوهش خانزاده و همکاران (۱۳۹۲) برای بررسی روایی سازه این مقیاس، همبستگی هر گویه با نمره کل زیر مقیاس مربوط به آن بین ۰/۵۹ تا ۰/۹۲ بود و همبستگی هر گویه با نمره کل مقیاس بین ۰/۱۲ تا ۰/۵۲ به دست آمد که حاکی از روایی مطلوب است. اعتبار این مقیاس از طریق روش بازآزمایی در فاصله دو هفته برای کل مقیاس ۰/۷۸ و برای زیرمقیاس‌ها در دامنه‌ای بین ۰/۵۶ تا ۰/۷۱ به دست آمد و همچنین ضریب همسانی درونی مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۲ و برای زیرمقیاس‌ها در دامنه‌ای از ۰/۵۹ تا ۰/۷۳ بود (خانزاده و همکاران، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر میزان ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۷۶ بود.

پرسشنامه نگرانی پنسیلوانیا^۱ (PSWQ): این پرسشنامه یک مقیاس ۱۶ سؤالی است که شدت نگرانی را در اندازه‌های پنج درجه‌ای از یک (کاملاً مخالفم) تا پنج (کاملاً موافقم) می‌سنجد. همسانی درونی این پرسشنامه در نمونه‌های دانشجویی و بالینی بر حسب ضرایب آلفای کرونباخ از ۰/۸۸ تا ۰/۹۵ گزارش شده است (دیوی^۲، ۱۹۹۳) و اعتبار بازآزمایی آن از ۰/۷۴ تا ۰/۹۳ تأیید شده است (استارتاپ و اریکسون^۳، ۲۰۰۶). روایی این مقیاس بر حسب همبستگی آن با تعدادی از شاخص‌های مرتبط با نگرانی و اضطراب در نمونه‌های دانشجویی و بالینی تأیید شده است (استارتاپ و اریکسون، ۲۰۰۶). در پژوهش بشارت (۱۳۸۶) به نقل از بشارت و باقری، (۱۳۹۱) روایی سازه، همگرا و تشخیصی این پرسشنامه از طریق اجرای همزمان مقیاس اضطراب بک^۴، مقیاس افسردگی اضطراب استرس^۵، فهرست عواطف مثبت و منفی^۶ و مقیاس سلامت روانی^۷ در مورد شرکت‌کنندگان محاسبه شد. نتایج ضرایب همبستگی

-
1. Pennsylvania State Worry Questionnaire
 2. Davey
 3. Startup & Erickson
 4. Beck Anxiety Scale
 5. Depression Anxiety Stress Scale
 6. Positive and Negative Affect Schedule
 7. Mental Health Inventory

پیرسون نشان داد که بین نمره شرکت‌کننده‌ها در پرسشنامه نگرانی پنسیلوانیا با عواطف مثبت و بهزیستی روان‌شناختی همبستگی منفی معنادار از ۰/۴۷- تا ۰/۶۴- و با اضطراب، استرس، افسردگی، عواطف منفی و درماندگی روان‌شناختی همبستگی مثبت معنادار از ۰/۴۴ تا ۰/۶۵ وجود داشت. این نتایج روایی همگرا و تشخیصی پرسشنامه نگرانی پنسیلوانیا را تأیید کرد (بشارت، ۱۳۸۶؛ به نقل از بشارت و باقری، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر میزان ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۸۱ بود.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر تعداد شرکت‌کنندگان دانشجوی دختر ۸۱ نفر بودند که ۵۳/۳ از کل نمونه را تشکیل دادند و همچنین تعداد شرکت‌کنندگان پسر ۷۱ نفر بود که ۴۶/۷ درصد از کل جامعه را تشکیل دادند. میانگین سنی دختران ۲۰/۱۲ سال و میانگین سنی پسران ۱۹/۹۷ سال بود.

جدول ۱ نشان می‌دهد در متغیر باورهای وسواسی، مؤلفه کمال‌گرایی و عدم تحمل ابهام بالاترین میانگین و مؤلفه مسئولیت‌پذیری افراطی و بیش‌برآورد کردن خطر بیشترین انحراف استاندارد را داشتند. در بین مؤلفه‌های متغیر نارس‌کنش‌وری اجرایی نیز مؤلفه حافظه بالاترین میانگین و همچنین بالاترین میزان انحراف استاندارد را داشت. در متغیر سیستم‌های مغزی-رفتاری نیز مؤلفه سیستم مغزی-رفتاری فعال‌ساز نسبت به سیستم مغزی-رفتاری بازدارنده دارای میانگین و همچنین انحراف استاندارد بالاتری بود. در رابطه با متغیر طرحواره‌های هیجانی نیز طرحواره تلاش برای منطقی بودن بالاترین میانگین و طرحواره کنترل‌ناپذیر بودن بالاترین میزان انحراف استاندارد را داشتند.

در پژوهش حاضر به منظور بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها، میزان چولگی، کشیدگی، خطای استاندارد ضریب چولگی و خطای استاندارد ضریب کشیدگی داده‌ها بررسی شد. نتایج نشان داد داده‌های پژوهش حاضر دارای توزیع نرمال هستند. بنابراین، پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها برای محاسبه همبستگی پیرسون و انجام رگرسیون چندگانه رعایت شده است.

بر اساس نتایج جدول ۲، متغیر نگرانی با تمام مؤلفه‌های باورهای وسواسی ارتباط مثبت و معنادار داشت. بین هر دو مؤلفه سیستم‌های مغزی-رفتاری فعال‌ساز (BAS) و بازدارنده (BIS) با مؤلفه مسئولیت‌پذیری افراطی / بیش‌برآورد کردن خطر و همچنین با کمال‌گرایی / عدم‌تحمل ابهام،

رابطه مثبت و معنادار وجود داشت. همچنین نتایج این جدول نشان داد که بین اغلب مؤلفه‌های متغیر طرحواره هیجانی و مؤلفه‌های متغیر باورهای و سواسی رابطه معنادار وجود داشت.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد
نگرانی	نمره کل نگرانی	۴۳/۹۲	۹/۵۳
	اهمیت و کنترل افکار	۴۰/۷۹	۱۱/۳۸
باورهای و سواسی	مسئولیت‌پذیری افراطی و بیش‌برآورد کردن خطر	۵۹/۸۵	۱۵/۴۱
	کمال‌گرایی و عدم تحمل ابهام	۶۶/۲۵	۱۴/۰۴
	سیستم مغزی-رفتاری فعال‌ساز	۳۸/۲۹	۴/۷۹
	کل	۶۹/۱۹	۶/۷۷
سیستم‌های مغزی-رفتاری	سیستم مغزی-رفتاری بازدارنده	۱۹/۰۰	۲/۷۲
	کل	۶۹/۱۹	۶/۷۷
	توافق	۸/۷۸	۲/۴۸
	نشخوار ذهنی	۱۱/۲۸	۲/۷۰
	خودآگاهی هیجانی	۸/۹۶	۱/۵۳
	گناه	۸/۲۷	۲/۵۶
	ابراز احساسات	۶/۶۷	۱/۹۵
	غیرقابل کنترل بودن	۷/۹۹	۲/۹۱
طرحواره‌های هیجانی	تأییدطلبی از دیگران	۶/۴۳	۲/۱۰
	قابل درک بودن	۱۱/۶۱	۲/۸۹
	سرزنش	۵/۹۶	۱/۸۳
	تلاش برای منطقی بودن	۱۵/۱۰	۲/۷۲
	دیدگاه ساده‌انگارانه نسبت به هیجانات	۶/۹۵	۱/۸۷
	ارزش‌های والاتر	۱۱/۵۰	۲/۴۳
	پذیرش هیجان‌ها	۱۰/۰۹	۲/۱۱
	کل	۱۱۹/۶۴	۹/۲۰

جدول ۲: آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای نگرانی، طرحواره‌های هیجانی و سیستم‌های مغزی-رفتاری (BIS- BAS) با باورهای وسواسی

باورهای وسواسی					
کل	اهمیت و کنترل افکار	کمال‌گرایی و عدم تحمل ابهام	مسئولیت‌پذیری افراطی و بیش-برآورد خطر		
۰/۳۸۰**	۰/۲۷۰**	۰/۲۰۲*	۰/۴۵۶**	نمره کل نگرانی	نگرانی
۰/۲۱۷**	۰/۰۳۹	۰/۲۰۴**	۰/۲۶۵**	سیستم بازداری رفتاری	سیستم‌های مغزی-رفتاری
۰/۲۶۰**	۰/۰۸۲	۰/۳۰۶**	۰/۲۳۶**	سیستم فعال‌ساز رفتاری	
۰/۲۸۶**	۰/۰۷۸	۰/۳۰۸**	۰/۲۹۴**	نمره کل	
-۰/۲۹۸**	-۰/۱۷۷*	-۰/۲۷۶**	-۰/۲۷۹**	توافق	
۰/۱۶۵*	۰/۱۰۳	۰/۰۶۲	۰/۲۳۳**	نشخوار ذهنی	
۰/۴۲۱**	۰/۳۴۳**	۰/۳۲۳**	۰/۳۸۶**	گناه	
۰/۴۲۹**	۰/۴۳۰**	۰/۲۹۵**	۰/۳۶۶**	غیرقابل کنترل بودن	طرحواره‌های هیجانی
-۰/۲۵۵**	-۰/۱۲۳	-۰/۲۳۴**	-۰/۲۶۲**	تأییدطلبی از دیگران	ناسازگار
-۰/۱۶۰	-۰/۱۱۷	-۰/۱۰۹	-۰/۱۶۹*	قابل درک بودن	
۰/۳۵۰**	۰/۲۲۱**	۰/۳۵۷**	۰/۲۸۷**	سرزنش	
۰/۳۳۲**	۰/۲۶۵**	۰/۳۳۵**	۰/۲۳۶**	تلاش برای منطقی بودن	
۰/۲۸۴**	۰/۲۱۹**	۰/۲۲۹**	۰/۲۶۰**	دیدگاه ساده‌انگارانه نسبت به هیجان‌ها	
۰/۲۳۲**	۰/۰۹۲	۰/۲۲۴**	۰/۲۴۳**	خودآگاهی هیجانی	
۰/۰۵۴	۰/۰۵۵	۰/۱۲۶	-۰/۰۳۴	ابراز احساسات	
۰/۰۶۷	۰/۱۶۹*	۰/۱۰۳	-۰/۱۱۹	ارزش‌های والاتر	طرحواره‌های هیجانی سازگار
-۰/۳۸۴**	-۰/۲۷۳**	-۰/۲۸۲**	-۰/۳۹۳**	پذیرش هیجان‌ها	
۰/۲۸۰**	۰/۲۳۴**	۰/۲۸۱**	۰/۱۹۳**	نمره کل	

($P < ۰/۰۱$)** و ($P < ۰/۰۵$)*

همان‌طور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، مدل رگرسیون حاضر، قادر به تبیین حدود ۴۱/۴ درصد از باورهای وسواسی بود. در ابتدا بعد از ورود متغیرهای دارای همبستگی معنادار به رگرسیون، متغیرهایی که سهمی در تبیین باورهای وسواسی نداشتند، از معادله حذف شدند. در مرحله اول، مؤلفه غیرقابل کنترل بودن از متغیر طرحواره‌های هیجانی قادر به تبیین حدود ۱۷/۹ درصد از باورهای وسواسی بود. همان‌طور که در ستون ضریب تعیین تعدیل شده نیز

مشاهده می‌شود، بعد از طی شدن ۷ مرحله و اضافه شدن سهم تبیین‌کننده سایر مؤلفه‌ها به مدل، مدل کلی پژوهش توانست ۴۱/۴ درصد از باورهای وسواسی را تبیین کند.

جدول ۳: آزمون معناداری مدل رگرسیون (روش گام به گام)

مدل	R	R ²	R ² تعدیل شده	R ² تغییر یافته	دوربین- واتسون
۱	۰/۴۲۹	۰/۱۸۴	۰/۱۷۹	۰/۱۸۴	
۲	۰/۵۰۸	۰/۲۵۸	۰/۲۴۸	۰/۰۷۴	
۳	۰/۵۶۳	۰/۳۱۷	۰/۳۰۳	۰/۰۵۹	
۴	۰/۶۰۲	۰/۳۶۳	۰/۳۴۵	۰/۰۴۶	۱/۶۶۵
۵	۰/۶۳۳	۰/۴۰۰	۰/۳۷۹	۰/۰۳۷	
۶	۰/۶۵۲	۰/۴۲۵	۰/۴۰۱	۰/۰۲۵	
۷	۰/۶۶۵	۰/۴۴۲	۰/۴۱۴	۰/۰۱۷	

در جدول ۴ ستون بتای مربوط به همه مؤلفه‌ها و سطح معناداری گزارش شده برای هر یک از آن‌ها، نشان‌دهنده این است که مؤلفه تلاش برای منطقی بودن، پذیرش هیجان‌ها و سیستم‌های مغزی-رفتاری به ترتیب بالاترین اهمیت را در پیش‌بینی متغیر ملاک دارا بودند.

جدول ۴: ضرایب به‌دست آمده برای رگرسیون (روش گام به گام)

پارامتر	B	Std.E	Beta	t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۴۶/۶۱۳	۲۹/۶۶۵		۱/۵۷۱	۰/۱۱۸
غیرقابل کنترل بودن	۱/۵۴۳	۰/۸۸۷	۰/۱۳۱	۱/۷۴۰	۰/۰۸۴
تلاش برای منطقی بودن	۲/۸۱۶	۰/۸۳۵	۰/۲۲۴	۳/۳۷۲	۰/۰۰۱
پذیرش هیجان‌ها	-۳/۵۶۶	۱/۱۶۶	-۰/۲۱۹	-۳/۰۵۹	۰/۰۰۳
سیستم‌های مغزی-رفتاری	۱/۰۳۳	۰/۳۲۷	۰/۲۰۵	۳/۱۶۰	۰/۰۰۲
نگرانی	۰/۷۲۱	۰/۲۵۵	۰/۱۹۵	۲/۸۲۵	۰/۰۰۵
توافق	-۲/۰۰۱	۰/۹۲۹	-۰/۱۴۵	-۲/۱۵۴	۰/۰۳۳
سرزنش	۲/۶۲۲	۱/۲۷۲	۰/۱۴۰	۲/۰۶۲	۰/۰۴۱

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش نگرانی، طرحواره‌های هیجانی و سیستم‌های مغزی-رفتاری (BIS- BAS) در پیش‌بینی باورهای وسواسی انجام شد. نتایج نشان داد بین نگرانی و باورهای وسواسی رابطه مثبت و معنادار وجود داشت. این یافته با نتایج پژوهش کالو و

همکاران (۲۰۱۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت با توجه به اینکه افراد با سطوح بالای نگرانی، پیوسته افکاری در مورد احتمال وقوع رویدادهای منفی در آینده دارند (دپری، ۱۹۸۳؛ به نقل از داوی و میتن، ۲۰۱۶)، بنابراین ممکن است احتمال وقوع رویدادهای منفی را بیش از حد بدانند و همچنین شدت پیامدهای منفی ناشی از چنین رویدادهایی را فاجعه‌آمیز تلقی کنند. در نتیجه این افراد به منظور اجتناب شناختی-رفتاری از چنین موقعیت‌هایی به صورت ناسازگارانه و کمال‌گرایانه، هرگونه محرکی را کنترل می‌کنند که از نظر آن‌ها زمینه‌ساز بروز رویدادهای منفی است. برای مثال ممکن است افکار سرزده‌ای را که به ذهن آن‌ها وارد می‌شود، به صورت افکار مهمی تلقی کنند که باید به بازداری و سرکوب آن‌ها اقدام کنند. از سوی دیگر، این تلاش افراطی برای کنترل افکار می‌تواند باعث توجه بیشتر به آن‌ها شده و در نتیجه باعث افزایش نگرانی در افراد شود و بدین ترتیب در نهایت یک چرخه معیوب ایجاد خواهد شد.

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین سیستم فعال‌ساز رفتاری (BAS) با مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری افراطی / بیش‌برآورد کردن خطر و همچنین با کمال‌گرایی / عدم‌تحمل ابهام، رابطه مثبت و معنادار وجود داشت. این نتایج از نظر ارتباط بین سیستم فعال‌ساز رفتاری با کمال‌گرایی خودم‌محور با نتایج پژوهش راندلز و همکاران (۲۰۱۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که سطوح بالایی از باورهای کمال‌گرایی را دارند، همواره درباره شکست‌های احتمالی خود دچار نگرانی زیادی می‌شوند و بنابراین، همواره به صورت فعال در حال اجتناب از موقعیت‌های مختلف هستند تا آن‌ها را از شکست احتمالی دور کنند. این اجتناب فعال همسو با فعالیت بالای سیستم فعال‌ساز رفتاری است. بنابراین، شاید بتوان گفت افراد دارای سطوح بالای فعالیت سیستم فعال‌ساز رفتاری، افرادی هستند که همواره در تلاش برای اجتناب فعال از موقعیت‌های آزارنده هستند و بیشتر اوقات خود را صرف دوری از خطا و اشتباه می‌کنند که این امر می‌تواند زمینه‌ساز حضور این فکر در آن‌ها شود که باید بتوانند تا حد امکان جلوی هرگونه خطا و اشتباه خود را بگیرند و در صورت بروز خطا یا شکست در امور مختلف دچار اضطراب فراوان شده و پیامدهای این شکست را بیش از حد برآورد می‌کنند.

از دیگر نتایج پژوهش حاضر، رابطه مثبت و معنادار بین سیستم بازداری‌کننده رفتاری

(BIS) با مؤلفه مسئولیت‌پذیری افراطی / بیش‌برآورد کردن خطر و همچنین با کمال‌گرایی / عدم تحمل ابهام بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت با توجه به اینکه افزایش فعالیت سیستم بازداری رفتاری به تجربه اضطراب منجر می‌شود (گری و همکاران، ۲۰۱۶)، بنابراین افرادی که سطوح بالای فعالیت سیستم بازداری رفتاری را نشان می‌دهند، به‌صورت افراطی و کمال‌گرایانه نسبت به نشانه‌های تنبیه یا نبود پاداش حساسیت نشان می‌دهند و در هنگام بروز یک رویداد منفی (برای مثال افکار سرزده به ذهن که از نظر آن‌ها باید بازداری شوند) هیجان منفی بیشتر و طولانی‌تری را نسبت به سایر افراد تجربه می‌کنند. همچنین افراد با سطوح بالای فعالیت سیستم بازداری رفتاری به دلیل اینکه سطوح بالایی از کمال‌گرایی جامعه‌مدار را دارند (راندلز و همکاران، ۲۰۱۰)، بنابراین به نظر می‌رسد نسبت به سایر افراد حساسیت بیشتری نیز به حقوق دیگران داشته باشند و به همین دلیل مسئولیت‌پذیری بیشتری را در برابر هرگونه ضربه به خود یا دیگران احساس می‌کنند و خود را ملزم به جلوگیری از هرگونه رویداد منفی می‌دانند.

در ادامه نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین اغلب مؤلفه‌های سازگار و ناسازگار، متغیر طرحواره‌های هیجانی و مؤلفه‌های متغیر باورهای و سواسی رابطه معنادار وجود داشت. این نتایج با یافته‌های پژوهش کاگلر و همکاران (۲۰۱۲) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد دارای باورهای و سواسی نسبت به تجارب هیجانی خود دیدگاه‌های ناسازگاری را اتخاذ می‌کنند، به گونه‌ای که کاگلر و همکاران (۲۰۱۲) معتقدند سلامت هیجانی افراد و سواسی حتی از افراد مبتلا به اسکیزوفرنی نیز پایین‌تر است. افراد دارای باور و سواسی ممکن است این باور را در خود پرورش دهند که نباید هیجان خاصی مانند احساس گناه همراه با حضور افکار سرزده به ذهن را تجربه کنند، زیرا تجربه چنین هیجانی را دلیلی بر اهمیت افکار سرزده می‌دانند. در واقع افراد دارای باور و سواسی اهمیت برخی از هیجان‌ها را بیش‌برآورد می‌کنند و در تلاش دائم برای جلوگیری از تجربه آن‌ها هستند، اما همین توجه افراطی به کاستن تجربه یک هیجان، می‌تواند زمینه‌ساز توجه بیشتر به آن شده و در نتیجه، تجربه آن هیجان را بیشتر کند. همچنین در پژوهش حاضر بین طرحواره‌های هیجانی سازگار و باورهای و سواسی رابطه معنادار وجود داشت. در تبیین این یافته می‌توان گفت حضور برخی طرحواره‌های هیجانی مثبت مانند خودآگاهی هیجانی در صورتی که به طور افراطی استفاده شوند، می‌توانند زمینه‌ساز توجه بیشتر افراد به هیجان‌های خود و عوامل ایجادکننده آن‌ها از جمله افکار سرزده شوند.

این توجه بیشتر به هیجان‌ها در افرادی که باورهای وسواسی مانند کمال‌گرایی دارند، می‌تواند موجب حساسیت بیشتر به تجارب هیجانی شده و باعث شود که این افراد نتایج تجربه‌ی برخی هیجان‌ها را بیش‌برآورد کنند و این هیجان‌ها را کم‌تر بپذیرند. برای مثال ممکن است افراد با باورهای وسواسی، هیجان‌های ایجاد شده در اثر حضور افکار سرزده را دلیلی بر اهمیت افکار سرزده بدانند و در نتیجه در پی بازداري چنین افکاری و هیجان‌های مرتبط با آن‌ها باشند.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر استفاده از ابزار مداد و کاغذی بود که احتمال سوگیری شرکت‌کنندگان در پاسخ به آن‌ها وجود دارد. همچنین به علت استفاده از نمونه‌گیری در دسترس در پژوهش حاضر بهتر است در تعمیم نتایج با احتیاط عمل شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در اجرای پژوهش‌های آینده از روش‌های دیگری غیر از پرسشنامه یا علاوه بر پرسشنامه استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به منظور تعمیم‌پذیری بهتر نتایج از روش نمونه‌گیری تصادفی به‌منظور انتخاب نمونه استفاده شود.

تشکر و قدردانی

در نهایت نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از تمام شرکت‌کنندگان و مسئولان دانشگاه خوارزمی که همکاری‌های لازم را برای اجرای این پژوهش داشتند، تشکر و قدردانی نمایند.

منابع

- بشارت، محمد علی و باقری، سمیه (۱۳۹۱). نقش واسطه‌ای نشخوار و نگرانی در رابطه بین منبع کنترل با افسردگی و اضطراب، فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ۷ (۲۸): ۶۳-۴۱.
- تاجیک‌زاده، فخری، صادقی، راضیه، مهرابی‌زاده، مهناز و داودی، ایران (۱۳۹۴). سیستم مغزی/ رفتاری، کمال‌گرایی و علائم افسردگی در دانشجویان، فصلنامه مطالعات روانشناختی، ۱۱ (۳): ۱۴۰-۱۱۹.
- خانزاده، مصطفی، ادریسی، فروغ، محمدخانی، شهرام و سعیدیان، محسن (۱۳۹۲). بررسی ساختار عاملی و مشخصات روانسنجی مقیاس طرحواره‌های هیجانی بر روی دانشجویان، فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، ۱۱ (۳): ۱۱۹-۹۱.
- شمس، گیتی، کرم قدیری، نرگس، اسماعیلی، یعقوب، امینی، همایون، ابراهیم‌خانی، نرگس، ناصری بفرونی، علی و پایه‌دار اردکانی، حسین (۱۳۸۶). شیوع علائم وسواس فکری- عملی در نوجوانان و میزان هم‌ابتلائی آن با سایر علائم روان پزشکی، تازه‌های علوم شناختی، ۹ (۴): ۵۹-۵۰.
- شمس، گیتی، کرم قدیری، نرگس، اسماعیلی ترکانبوری، یعقوب، رحیمی‌نژاد، فاطمه و ابراهیم‌خانی، نرگس (۱۳۸۵). مقایسه باورهای وسواسی در بیماران مبتلا به وسواس و سایر اختلالات اضطرابی با گروه شاهد، فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۸ (۲): ۶۵-۵۳.
- طالع بکتاش، سهیلا، یعقوبی، حسن و یوسفی، رحیم (۱۳۹۲). مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در بیماران مبتلا به اختلال وسواسی جبری با افراد عادی، دو ماهنامه علمی- پژوهشی فیض، ۱۷ (۵): ۴۸۱-۴۷۱.
- عبداللهی مجارشین، رضا، بخشی‌پور، عباس و علیلو، مجید محمود (۱۳۸۹). رابطه صفات شخصیتی مرتبط با نظام‌های بازداری/فعال سازی رفتاری با سوگیری حافظه نا آشکار مفهومی و آشکار براساس پردازش انتقال مناسب (tap)، مطالعات روانشناختی، ۶ (۱): ۸۷-۵۷.
- محمدی، نوراله (۱۳۸۷). ویژگی‌های روانسنجی مقیاس‌های سیستم بازداری و فعال سازی رفتاری در دانشجویان دانشگاه شیراز، دو ماهنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، ۱۵ (۲۸): ۶۹-۶۱.

- Abdollahi Majareshin, R., Bakhshipour, A. & Alilou, M.M. (2010). The relationship between personality traits of behavioural inhibition/ activation systems and conceptual implicit memory bias based on the Transfer Appropriate Processing (TAP) framework, *Journal of psychological studies*, 6(1): 57-88 (text in Persian).
- Belloch, A., Morillo, C., Luciano, J. V., Garcia-Soriano, G., Cabedo, E. & Carri, A. (2010). Dysfunctional Belief Domains Related to obsessive- Compulsive Disorder: A Further Examination of their Dimensionality and Specificity, *Spanish Journal of Psychology*, 13(1): 376-388.
- Berger, U. & Anaki, D. (2014). The behavioral inhibition system (BIS) mediates major aspects of the relationship between disgust and OCD symptomology, *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*, 3(3): 249–256.
- Besharat, M. A. & Bagheri, S. (2013). Meditating Role of Rumination and Worry on the Relationship between Locus of control with Depression and Anxiety, *Journal of Management System*, 7(28): 41-63 (text in Persian).
- Borkovec, T. D., Alcaine, O. & Behar, E. S. (2004). *Avoidance theory of worry and generalized anxiety disorder*, In: Heimberg, R., Mennin, D. & Turk C, editors. *Generalized anxiety disorder: Advances in research and practice*, Guilford; New York.
- Calleo, J. S., Hart, J., Björgvinsson, TH. & Stanley, M. A. (2010). Obsessions and worry beliefs in an inpatient OCD population, *Journal of Anxiety Disorders*, 24 (8): 903–908.
- Carver, C. S. & White, T. L. (1994). Behavioral inhibition, behavioral activation, and affective responses to impending reward and punishment: The BIS/BAS Scale, *Journal of Personality and Social Psychology*, 67(2): 319–333.
- Davey, G. C. L. (1993). A comparison of three worry questionnaire, *Behavior Research and Therapy*, 31(1): 51-56.
- Davey, G., Meeten, F. (2016). The perseverative worry bout: A review of cognitive, affective and motivational factors that contribute to worry perseveration, *Biological Psychology*, 121(Pt B):233-243.
- Fullana, M. A., Mataix-Cols, D., Caspi, A., Harrington, H., Grisham, J. R., Moffitt, T. E. & Poulton, R. (2009). Obsessions and compulsions in the community: prevalence, interference, help-seeking, developmental stability and co-occurring psychiatric conditions, *American Journal of Psychiatry*, 166(3): 329-336.
- Fullana, M. A., Mataix-Cols, D., Trujillo, J. L., Caseras, X., Serrano, F., Alonso, P., & Et al. (2004). Personality individuals with subclinical obsessive–compulsive problems, *British Journal of characteristics in obsessive compulsive disorder and Clinical Psychology*, 43(4): 387–398.

- Gomez, R., Watson, SH. & Gomez, A. (2016). Interrelationships of the Rothbart's temperament model constructs with revised-reinforcement sensitivity theory constructs, *Personality and Individual Differences*, 99: 118–121.
- Gray, J. D., Hanna, D., Gillen, A. & Rushe, T. (2016). A closer look at Carver and White's BIS/BAS scales: Factor analysis and age group differences, *Personality and Individual Differences*, 95: 20–24.
- Khanzadeh, M., Edrisi, F., Muhammadkhani, SH. & Sa'idian, M. (2013). Factor Structure and Psychometric Properties of Emotional Schema Scale, *Quarterly Clinical Psychology Studies*, 11(3): 91-119 (text in Persian).
- Kugler, B. B., Lewin, A. B., Phares, V., Geffken, G. R., Murphy, T. K. & Storch, E. A. (2012). Quality of life in obsessive-compulsive disorder: The role of mediating variables, *Psychiatry Research*, 206(1):43-49.
- Leahy, R. L. (2002). Model of emotional schemas, *Cognitive and Behavioral Practice*, 9(3), 177–190.
- Leahy, R. L. (2007). Emotional schemas and resistance to change in anxiety disorders, *Cognitive and Behavioral Practice*, 14(1): 36-45.
- Loxton, N. J. & Dawe, S. (2001). Alcohol abuse and dysfunctional eating in adolescent girls: The influence of individual differences in sensitivity to reward and punishment, *International Journal of Eating Disorders*, 29(4): 455–462.
- Mohammadi, N. (2008). The Psychometric Properties of the Behavioral Inhibition System (BIS) and Behavioral Activation System (BAS) scales Among Students of Shiraz University, *Semi-Annually Daneshvar Raftar*, 1 (28):61-68 (text in Persian).
- Müller, A., Claes, L., Georgiadou, E., Möllenkamp, M., Voth, E. M., Faber, R. J. & De Zwaan, M. (2014). Is compulsive buying related to materialism, depression or temperament? Findings from a sample of treatment-seeking patients with CB, *Psychiatry Research*, 216(1): 103–107.
- Muris, P., Meesters, C. & Spinder, M. (2005). Relationships between child- and parent reported behavioural inhibition and symptoms of anxiety and depression in normal adolescents, *Personality and Individual Differences*, 34(5): 759–771.
- Obsessive Compulsive Cognitions Working Group. (2001). Development and initial validation of the Obsessive Beliefs Questionnaire and the Interpretation of Intrusions Inventory, *Behavior Research and Therapy*, 39(8): 987-1006
- Peasley-Miklus, C. & Vrana, S. R. (2000). Effect of worrisome and relaxing thinking on fearful emotional processing, *Behaviour Research and Therapy*, 38(2): 129-144.

- Rachman, S. (2003). *The Treatment of Obsessions*. Oxford University Press, New York, N.Y.
- Randles, D., Flett, G. L., Nash, K. A., McGregor, I. D. & Hewitt, P. L. (2010). Dimensions of perfectionism, behavioral inhibition, and rumination, *Personality and Individual Differences*, 49(2): 83–87.
- Shams, G., Karamghadiri, N., Esmaili Torkanbou, Y., Rahiminejad, F. & Ebrahimkhani, N. (2006). Obsessional beliefs in patients with obsessive – compulsive disorder and other anxiety disorders as compared to the control group, *advances in cognitive science*, 8(2): 53-65 (text in persian).
- Shams, G., Karamghadiri, N., Esmaili, Y., Amini, H., Ebrahimkhani, N., Nasery, A. & Payedar, H. (2008). Prevalence of obsessive-compulsive symptoms and its comorbidity with psychiatric symptoms in adolescents, *advances in cognitive science*, 9 (4): 50-59 (text in persian).
- Starcevic, V., Berle, D., Milicevic, D., Hannan, A., Lamplugh, C., & Eslick, G. D. (2007). Pathological worry, anxiety disorders and the impact of co-occurrence with depressive and other anxiety disorders, *Journal of Anxiety Disorders*, 21(8): 1016–1027.
- Startup, H. M. & Erickson, T. M. (2006). *The Penn State Worry Questionnaire (PSWQ)*. In G. C. L. Davey and A. Wells (Eds.), *Worry and its psychological disorders: Theory, assessment and treatment*, (pp. 265-283), Chichester, England: Wiley.
- Tajikzadeh, F., Sadeghi, R., Mehrabizade, M. & Davoudi, I. (2015). The Brain/ Behavioral Systems, Perfectionism and Depression Symptoms among the University Students, *Journal of Management System*, 11(3): 119-140(text in Persian).
- Talee-Baktash, S., Yaghoubi, H. & Yousefi, R. (2013). Comparing the early maladaptive schemas and cognitive emotion regulation strategies in obsessive-compulsive disorder patients and healthy people, *Feyz*. 17 (5): 471-481 (text in Persian).
- Whittal, M. L., Robichaud, M. & Woody, S. R. (2010). Cognitive Treatment of Obsessions: Enhancing Dissemination, *Cognitive and Behavioral Practice*, 17(1): 1–8.
- Zhao, J., Harris, M. & Vigo, R. (2016). Anxiety and moral judgment: The shared deontological tendency of the behavioral inhibition system and the unique utilitarian tendency of trait anxiety, *Personality and Individual Differences*, 95: 29–33.

**The Role of Worry, Emotional Schemas and
Brain-Behavioral Systems (BIS-BAS) in
Prediction of Obsessive Beliefs**

Soheila Shafiee *, Ali Rasooli **,

Mahnaz Shahgholian*** & Mojtaba Dehghan****

Abstract

The aim of this research was to investigate the role of worry, emotional schemas and brain-behavioral systems (BIS-BAS) in prediction of obsessive beliefs. In a correlation design, 152 undergraduate students of Kharazmi University of Karaj (81 girl students and 71 boy students) of the age range of 18 to 22 years were selected through available non-probability sampling and completed Penn State Worry Questionnaire, Carver and White Brain-Behavioral Systems Questionnaire, Emotional Schema Scale and Obsessive Beliefs Questionnaire. In order to analyze the data, Pearson correlation coefficient and stepwise multiple regression were used. The results showed that there was a significant positive correlation between worry and brain-behavioral systems with

* Master of Science, General Psychology, Department of General Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University of Tehran (Karaj), Karaj, Alborz, Iran.

** Master of Science, General Psychology, Department of General Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University of Tehran (Karaj), Karaj, Alborz, Iran.

*** Assistant professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University of Tehran (Karaj), Karaj, Alborz, Iran.

**** Master of Science, General Psychology, Department of General Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University of Tehran (Karaj), Karaj, Alborz, Iran.

accepted: 2017-03-17

received: 2017-10-30

DOI:10.22051/psy.2017.14679.1375

adolescents' obsessive beliefs. The results also showed that there was a significant relationship between most components of emotional schemas with adolescents' obsessive beliefs. Moreover, the regression results showed that predictor variables in current study could explain the 41.4 percent of the changes in obsessive beliefs variable. According to the results of this study can be said that high levels of worry and using of maladaptive emotional schemas in people who have high levels of brain-behavioral systems activity, can predict their tendency towards obsessive beliefs.

Keywords : brain-behavioral systems, emotional schemas, obsessive beliefs, worry